

## سرمقاله

ادامه از صفحه یک...

که چرا مقام‌های ارشد آمریکایی مخصوصاً در دستگاه سیاست خارجی این کشور، مدام از ضرورت بازگشت هر چه سریع‌تر ایران به میز مذاکرات هسته‌ای و برجامی تاکید دارند؟ به نظر می‌رسد جهت پاسخ به این پرسش باید سه مؤلفه اساسی را مورد توجه قرار داد.

**نگرانی گسترده و عمیق آمریکا از پیشرفت‌های هسته‌ای قابل توجه**

ایران

دولت آمریکا به خوبی می‌داند که در موقعیتی نیست که با استفاده از قوه قهریه خود یا متحدانش نظیر رژیم صهیونیستی، تاسیسات و قدرت هسته‌ای ایران را نابود سازد. وجود ویژگی‌هایی نظیر پیشرفته بودن توان هسته‌ای ایران، پراکنده بودن تاسیسات اتمی ایران و به طور خاص توان دفاعی و امنیتی ایران در حراست از مراکز حساس این کشور و در عین حال نشان دادن واکنشی سخت در صورت حمله به مراکز مهم ایران، همه و همه بایدن و دولتش را در رسیدن به این درک، یاری می‌کنند. از سویی، ایران پس از نقض توافق برجام توسط دولت سابق آمریکا به ریاست جمهوری «دونالد ترامپ»، در واکنش به بدعهدی‌های دولت آمریکا و همچنین کشور‌های اروپایی، عملاً رویکردی جدید در دولت بایدن نیز ادامه یافته‌اند و عملاً قدرت و توان هسته‌ای ایران را چند برابر کرده‌اند. در این چارچوب شاهدیم که به عنوان مثال ظرفیت غنی‌سازی ایران از ۳.۶۷ درصد که در توافق برجام قید شده، در شرایط کنونی به بیش از ۶۳ درصد افزایش یافته است. از سویی، ایران در بحث تحقیق و توسعه نیز پیشرفت‌های قابل توجهی داشته و توانسته سانتریفیوژ‌های پیشرفته IR۶ را طراحی و عملیاتی کند.

در این چارچوب، دولت بایدن عملاً با وضعیتی روبه‌روست که در قالب آن، کارزار فشار حداکثری و تحریم‌های گسترده دولت ترامپ علیه ایران، نه تنها تهران را از پای در نیاورد، بلکه قدرت هسته‌ای آن را چند برابر هم کرده است و اکنون نیز این توان با سرعت قابل توجهی در حال پیشرفت است. در این چارچوب و در شرایطی که اساساً گزینه نظامی نیز علیه ایران منتهی است (با توجه به بنیان‌های قابل توجه قدرت ایران)، مذاکره و اصرار بر آن از سوی طرف آمریکایی، تنها گزینه موجود جهت متوقف ساختن یا حداقل کُند کردن توانمندی‌های هسته‌ای ایران است.

**خارج شدن برجام از اولویت‌های اساسی دستگاه سیاست خارجی**

ایران

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که عملاً دولت آمریکا به سمت اصرار کردن به ایران جهت حاضر شدن بر سر میز مذاکرات هسته‌ای رهنمون ساخته، رسیدن واشنگتن به این درک راهبردی است که اساساً تهران به دلیل شدت و میزان بالای بدعهدی‌های طرف‌های غربی، برجام را از اولویت‌های اساسی سیاست خارجی خود خارج کرده و سعی دارد جایگزین‌های دیگری را برای آن تعریف کند. جایگزین‌هایی که نوع خود به متوجه شدن ظرفیت‌های ایران در عرصه سیاست خارجی این کشور کمک می‌کنند و ایران را نیز از قید محدودیت‌های زیاده‌خواهانه طرف‌های غربی رها می‌سازند.

عضویت اخیر در سازمان همکاری‌های شانگهای و همچنین اولویت‌بندی جدید دولت ایران در توسعه روابط و تنش‌زدایی با همسایگان عربی و همچنین کشور‌های محور شرق (به طور خاص چین و روسیه)، همه و همه زنگ خطر را در پایتخت‌های غربی به صدا درآوردند و عملاً آن‌ها را به این درک رساند‌اند که به هر طریق ممکن باید ایران را بار دیگر به میز مذاکره بازگرداند و از تقویت بنیان‌های قدرت آن در عرصه سیاست خارجی این کشور به نحوی که سهم برجام در آن به نحو قابل توجهی کاهش یابد، جلوگیری کرد.

**وعده و بایندن به افکار عمومی آمریکا و جهان در مورد برجام**

یکی دیگر از دلایل اصرار دولت آمریکا به ضرورت بازگشت سریع ایران به میز مذاکرات برجامی، وعده‌های مکرر جو بایدن در جریان کارزار انتخاباتی جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا است. در واقع، بایدن در آن دوران و قبل از پیروزی در انتخابات، عملاً راه و روش ترامپ در مواجهه با ایران را به چالش کشید و تاکید کرد که از طریق دیپلماتیک باید با مسئله هسته‌ای ایران مواجه شد.

در این راستا، اگر دولت بایدن که شعارهای این چنینی سر داده و به عینیه، شکست «کارزار فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه تهران را نیز نظر گر بوده، بخواهد شیوه‌های دولت ترامپ در مواجهه با ایران را در پیش گیرد، نه تنها به نوعی بر رویکرد توأم با زور و فشار ترامپ و جمهوری خواهان در مواجهه با ایران و مسئله برجام (که خود میراث باراک اوباما رئیس جمهور دموکرات آمریکاست) صحه گذاشته، بلکه عملاً یک وعده مهم خود در عرصه سیاست خارجی آمریکا را نیز زیر پا گذاشته است. امری که عملاً سرفاکندگی قابل توجهی برای بایدن و حزب دموکرات آمریکا به حساب می‌آید و می‌تواند موضع آن‌ها را در آستانه انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۲ یا انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۲۴، به شدت تضعیف کند.

مناقشه اروپا و آمریکا بر سر برجام و ایران بالا گرفت؛

### منتفی شدن نقشه‌ها با «نقشه دوم»

امین رضایی / گروه سیاست  
news@naslefarda.net

این روزها در حالی که پالس‌های «سبزپرنگ» از ایران به جهان صادر می‌شود و حتی قرار وین هم گذاشته شده تور دور دنیای «مالی – مسورا» همان سیاست کهنه چمطاق و هویج را پیش می‌روند، سیاستی که «آنتونی بلینکن» و «یائیر لاپید» بیش از بقیه پیش برنده آن هستند. همین چند روز پیش بود که «اربرت



مریم عمادی / گروه سیاست  
Maryam.Emadi@yahoo.com

اقدامات فعالانه رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در روزهای اخیر و حضور وی در پاکستان بسیار خبرساز شده است. سردار «محمد باقری» در این سفر ضمن دیدار با مقامات ارشد پاکستانی از جمله نخست‌وزیر و فرمانده ارتش، از مناطق مختلف این کشور نیز دیدار کرد. اما در حالی که رسانه‌ها و تحلیل‌گران مختلف همچنان مشغول تحلیل این سفر مهم بودند خبر آمد قرار است روزهای آتی به دعوت وزیر دفاع روسیه به این کشور سفر کند.

**سفر به اسلام آباد؛ نمایش سیاست توجه به همسایگان**

سفر اخیر سردار سرلشکر پاسدار «محمد باقری» / رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به دعوت ژنرال «قهر جاوید باجو» فرمانده ارتش پاکستان به این کشور نشان از ارزش و اهمیت بالای افزایش و تثبیت امنیت در منطقه برای ایران دارد. سردار باقری حامل این پیام بود که جمهوری اسلامی ایران امنیت کشورهای همسایه را امنیت خود می‌داند و آماده همکاری با آن‌ها در تأمین امنیت منطقه است. مسئله قابل تأمل دیگر سابقه طولانی و درازمدت روابط دفاعی ایران با همسایه شرقی خود یعنی پاکستان است. بر این اساس سفر سردار «باقری» به پاکستان را می‌توان نشانه روشن و واضحی مبنی بر وجود اراده‌ای مابین دو کشور برای تقویت مناسبات دفاعی و امنیتی خود و منطقه دانست. نکته بسیار مهم دیگری که ضرورت تعامل و ارتباط هر چه بیشتر دو کشور ایران و پاکستان را خاطر نشان می‌کند داشتن بیش از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک میان این دو کشور است. متأسفانه تحرکات برخی گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان برای برهم زدن امنیت مرزهای دو کشور این ضرورت را ایجاب می‌کند تا

مالی» نماینده ویژه دولت ایالات متحده آمریکا در امور ایران در اظهاراتی گفت کشورش باید خود را برای شکست مذاکرات

برجام و ایران اتمی آماده کند. هم‌زمان با او «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه آمریکا در اظهاراتی در نشست با وزرای خارجه امارات و اسرائیل در واشنگتن، به ایران هشدار داد زمان بازگشت به مذاکرات احیای برجام رو به پایان است. او گفت که اگر دیپلماسی با شکست مواجه شود دولت واشنگتن این آمادگی را دارد که به



در سفر سردار باقری به پاکستان و روسیه صورت گرفته است. چنانچه برگزاری

رزمایش‌های مشترک زمینی و دریایی و مشارکت ناوگان دریایی ایران در مراسم رژه نیروی دریایی روسیه در سن پترزبورگ نشان داد، این نگرش واحد میان دو کشور ایجاد شده که راهکار رسیدن به ثبات و امنیت پایدار در قالب تعاملات و همکاری منطقه‌ای قابل اجراست. لذا برنامه‌ریزی برای تقویت این همکاری و نیز زمینه‌سازی برای برگزاری رزمایش‌های مشترک دو و چندجانبه با حضور سایرین و حتی اعضای سازمان همکاری شانگهای می‌تواند از ابعاد سفر سردار باقری به روسیه باشد. شرایط ویژه منطقه و تحرات مشکوکی که علیه امنیت منطقه صورت می‌گیرد، همکاری میان همسایگان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی را الزام آور می‌سازد. همچنین نگاهی به تحولات منطقه از جمله در افغانستان، قفقاز و سوریه بیانگر آن است که برخی کشورهای منطقه در کنار آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال گرفتارسازی منطقه در بحران‌های امنیتی

و نظامی هستند بنابراین این سفر پیامی آشکار برای بحران‌سازان منطقه، آمریکا و رژیم صهیونیستی است.

همچنین سفر سردار باقری را می‌توان ادامه تعاملات دو کشور برای هم‌افزایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های طرفین جهت تقویت تسوان دفاعی و نظامی یکدیگر دانست. از مهرماه سال گذشته که اسامس قطعه‌نامه ۲۲۲۱ شورای امنیت دوران ممنوعیت ایران برای خرید و فروش تسلیحات پایان یافت، ظرفیت‌ها و دستاوردهای بومی جمهوری اسلامی در ساخت و مدرن‌سازی تسلیحات دفاعی و نظامی، زمینه‌ساز نگاه بسیاری از کشورها برای تعاملات تسلیحاتی با ایران شده و یکی از ابعاد و اهداف سفر ایشان به مسکو را می‌توان در چارچوب تقویت این تعاملات ارزیابی کرد.

گزینه‌های دیگر متوسل شود. در این بین اظهارات طرف اسرائیلی

هم منتشر می‌شد که حرف از «نقشه دوم» یا همان «پلان بی» می‌زد. این در حالی بود که مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت اروپا به فکر اجرای «پلن بی»(نقشه دوم: برنامه جایگزین در صورت شکست دیپلماسی با ایران) در صورت شکست مذاکرات احیای برجام با ایران، نیست. به گزارش عصارایران به نقل از وبسایت روزنامه اسرائیلی «جزوالزم پست»، «جوژپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واشگتن و در مقابل اظهارات ایالات متحده مبنی بسر وجود هر گزینه‌ای روی میز در

فرش قرمز پاکستان و روسیه زیر پای ایران پهن است؛

## دیپلماسی نظامی فعال گام‌بعدی سیاست خارجی



پاکستان را به ما یادآور می‌کند، تحولات اخیر افغانستان و وضعیت امروز این کشور است. آمریکا به عنوان نیروی اشغال کننده افغانستان خیلی ناگهانی و سریع خاک این کشور را ترک کرد. این تهدید خلأقدرت در افغانستان باعث افزایش عملیات انتحاری گروه تروریستی داعش در این کشور شد؛ حملاتی که نشان از روز‌های پر تنش و خطرناک برای ملت افغانستان دارد. البته این تهدید همراه با یک فرصت بود و این فرصت همان خروج آمریکا و ناتو از کشور افغانستان است که این موضوع زمینه لازم برای همکاری و نزدیکی کشورهای منطقه و همسایه افغانستان را بیش از پیش فراهم می‌کند تا هر چند بسیار دیر و با تأخیر ولی باعث گسترش روابط عمیق تر بین ایران و پاکستان شود.

**سفر به مسکو؛ نمایش نقش آفرینی ایران در معادلات**

جزئیات جلسه غیر علنی مجلس با حضور وزیر امور خارجه کشورمان اعلام شد؛

### وعده در وین؛ پنجشنبه همین هفته

شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، درباره نشست غیرعلنی به فرارو گفته که نمایندگان در این نشست نقطه نظرانی داشتند و جمع‌بندی این بود که وزارت خارجه در حوزه دیپلماسی به شکل فعال‌تری به مسائل منطقه‌ای ورود کند و رصد دقیق‌تری از وضعیت منطقه داشته باشد و با استفاده از ظرفیت همسایگان نسبت به تقویت ثبات و امنیت در منطقه اقدام کند.

**آنچه برای ایران اهمیت دارد، مردم افغانستان است نه شعارهای طالبان**

عضو کمیسیون امنیت ملی همچنین درباره نظر امیر عبداللهیسان در رابطه با تحولات اخیر در افغانستان خاطر نشان کرد: رئیس دستگاه دیپلماسی در رابطه با افغانستان تصریح کرد که جمهوری اسلامی تحولات این کشور را به دقت رصد می‌کند منتهی آنچه برای ایران اهمیت دارد، مردم افغانستان است و در این راستا رفتار طالبان است که محور تصمیمات جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد در شعارهای این گروه.

حیدری همچنین درباره نظر وزیر امور خارجه در رابطه با ادامه مذاکرات احیای نحوه تعامل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: آقای امیرعبداللهیان تاکید کرد که ایران به قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت



اعتراض نمادین «گر تا توینرگ» فعال نوجوان محیط زیستی سوئدی در مقابل پارلمان سوئد در شهر استکهلم.

صورت شکست مذاکرات احیای برجام با ایران، گفت که اتحادیه

اروپا به «نقشه دوم» در صورت شکست دیپلماسی فکر نمی‌کند. بورل تاکید کرد: زمان بازگشت به میز مذاکره فرا رسیده است. او افزود: من آماده پذیرش آن‌ها (ایرانی‌ها) در بروکسل هستم اما ما باید در مورد این مسئله صبور باشیم؛ زیرا نمی‌توانیم شکست بخوریم. چندی پیش بلینکن افزود: همچنان بر این باوریم که دیپلماسی موثرترین راه برای انجام این کار است، اما برای انجام یک روند دیپلماتیک وجود دو طرف لازم است و ما در حال حاضر تمایلی از ایران برای انجام این کار مشاهده نکرده ایم.

### تحلیل

ادامه از صفحه یک...

**بازگشایی سفارت‌ها یا کنسولگری‌ها، سطحی‌ترین لایه**

**روابط دو کشور** واقعیت این است که بازگشایی سفارت‌ها یا کنسولگری‌ها، سطحی‌ترین لایه روابط دو کشور است و روابط ایران و عربستان از منابع فاکتورهای دیگری متأثر است که اگر به آن توجه نشود، بازگشایی سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها دوامی نخواهد داشت. عوامل یادشده به منابع اختلافی چون جنگ یمن و موضوع هسته‌ای ایران و به تبع آن روابط ایران با غرب به‌مثابه دو منبع اصلی و نیز اعتراضات سرکوب‌شده در بحرین؛ رقابت در عراق، بحران سوریه و رقابت در لبنان بستگی دارد.

در واقع منابع یادشده است که روابط ایران و عربستان را شکل می‌دهد و اگر این منابع اختلاف به‌صورت واقعی حل‌وفصل شود می‌توان گفت که احتمال پایداری و تداوم در روابط ایران و عربستان پس از عادی‌سازی روابط افزایش می‌یابد در غیر این صورت باید انتظار تنش دوباره در روابط و قطعگی دگرباره در روابط دو کشور را شاهد بود.

**داستان یمن برای عربستان مهم‌تر از ایران هسته‌ای**

عربستان سعودی، تهران را حامی اصلی انصاراله یمن می‌داند و مدعی است که حمایت‌های تهران مانع تمایل انصاراله برای پایان دادن به جنگ شده است. عربستان جنگ موجود در یمن را تهدید علیه امنیت ملی خود می‌داند و خواهان پایان یافتن جنگ به شیوه‌ای است که هر یک از گروه‌های یمنی در جایگاهی باشند که پیش از شروع بحران یمن در آن جایگاه قرار داشتند. از طرفی کاملاً روشن است که جنبش انصاراله یمن برخلاف تصور مقامات سعودی کاملاً تحت کنترل و نفوذ تهران قرار ندارند و بسیار بعید است که بخواهند به شرایط سال ۲۰۱۱ بدون کسب امتیازات مناسب بر گردند. لذا تا زمانی که این منبع جدی اختلاف بین تهران و ریاض پابرجا بماند نباید انتظار حاکم شدن صلح بر روابط دو کشور در گفت‌وگوهای بغداد را داشت.

**عربستان تا ابی‌بی طرف نمی‌ماند**

در کنار بحران یمن، عربستان سعودی از مخالفان برنامه هسته‌ای ایران است و در زمان ریاست جمهوری ترامپ حامی سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران بود. لازم به ذکر است که هرگاه برنامه هسته‌ای ایران سبب افزایش تنش بین ایران و غرب شده هم‌زمان روابط تهران – ریاض نیز دچار تنش شده و عربستان سعودی در کنار کشورهای غربی و علیه ایران قرار گرفته است. این بدان معنی است که اگر گفت‌وگوهای احیای برجام به نتیجه منجر نشود و به این خاطر سطح تنش بین ایران و غرب افزایش پیدا کند، نباید تصور کرد که عربستان بی‌طرف باقی خواهد ماند.

**ترجیح ریاض فشارهای غرب علیه ایران است**

واقعیت این است که عربستان فشارهای غرب علیه ایران را یکی از ابزار‌های اصلی مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران می‌داند و تداوم فشارهای غرب علیه ایران را به روابط با تهران ترجیح می‌دهد. لذا باید گفت برنامه هسته‌ای ایران که کم و کیف روابط ایران و غرب را شکل می‌دهد یک منبع مهم و تأثیرگذار بر روابط ایران و عربستان است.

**تفاهم بر سر یمن و هسته‌ای ایران لازمه رسیدن به صلح**

دو موضوع جنگ یمن و برنامه هسته‌ای ایران دو عامل با منبع مهم و جدید هستند که شرایط حال و دودرنجی آینده روابط ایران و عربستان را تعیین می‌کنند. نشل شدن این دو موضوع روابط ایران و عربستان را در بهترین حالت در وضعیت صلح سرد و شکننده قرار می‌دهد. در کنار دو موضوع یادشده، مسائل دیگری مانند رقابت در عراق، سوریه، لبنان و موضوع فلسطین نیز وجود

دارد که از جمله منابعی هستند که اگر چه در روابط ایران و عربستان تعیین‌کننده نیستند اما متأثرکننده روابط به شمار می‌آیند. بدین معنی که منابع اخیر قادرند عنصر مطلوبیت در روابط ایران و عربستان را افزایش یا کاهش دهند. بر این اساس باید گفت لازمه رسیدن به صلح در روابط ایران و عربستان رسیدن دو کشور به تفاهم بر سر جنگ یمن و برنامه هسته‌ای ایران است و برای اینکه صلح احتمالی در روابط دو کشور از غلظت بیشتری برخوردار باشد باید رقابت‌های موجود بین دو کشور در جاهای مختلف مدیریت و کنترل شود. در غیر این صورت روابط سرد و شکننده حاصل خواهد شد که همواره پتانسیل قطع روابط و شدت پیدا کردن تنش را دارد.

**منبع: د دیپلماسی ایرانی**